

امنیت انرژی اسرائیل و ژئوپلیتیک منطقه‌ای

نویسنده: شورای سردبیری الجزیره*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۳۰

مترجم: سید احمد موسوی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۵

چکیده

مقاله حاضر بر آن است عوامل جدید در سیاست امنیت انرژی اسرائیل، به‌ویژه نقش گاز در این مبحث را بررسی نماید و اقدامات تل آویو جهت تضمین و تامین بسیاری از منابع طبیعی از جمله نفت را در فضای ژئوپلیتیکی نسبتاً دور مورد مطالعه قرار دهد. این مقاله به بررسی دو موضوع پرداخته است: الف. گاز طبیعی و آینده امنیت انرژی اسرائیل؛ و ب. قزاقستان: شریک اسرائیل در اوراسیا. در چارچوب گزارش اول به منابع در دسترس برای تامین گاز اسرائیل، منابع خارجی احتمالی، جایگزین‌های به کارگیری گاز طبیعی و سناریوهای تقویت امنیت انرژی در اسرائیل خواهیم پرداخت و در گزارش دوم، اهمیت قزاقستان، عوامل نفوذ در آن و ابعاد ژئوپلیتیکی روابط اسرائیل-قزاقستان را بررسی می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: امنیت انرژی، گاز، اسرائیل، قزاقستان، منابع طبیعی

* WWW. AL JAZEERA. NET

** محقق مسایل ایران و عرب و دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال سیزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۶۶-۱۵۱

امنیت انرژی اسرائیل، همیشه جایگاه بسیار مهمی در راهبرد امنیت این رژیم داشته است، اما به‌رغم این اهمیت، مطالعات و گزارش‌های مربوط به این موضوع بسیار کم بوده و به‌ندرت مشاهده می‌شود، یا اینکه این جنبه از راهبرد امنیتی تل آویو به شکل واضح منعکس نمی‌گردد. شاید بخشی از این مساله به این مربوط باشد که «امنیت انرژی» به‌صورت کلی، نقطه ضعفی در قدرت اسرائیل است. در واقع، همین امر سبب شد تا اسرائیل در سال ۱۹۷۹، از ایالات متحده آمریکا کمک خواسته و یادداشت تفاهمی با آن کشور امضا نماید. بر اساس این یادداشت که هر پنج سال تمدید می‌شد، آمریکا متعهد شد تا سال ۲۰۱۴ میلادی، نفت اسرائیل را در شرایط بحرانی و اضطراری تامین کند.

اما امنیت اسرائیل به‌صورت کلی، و امنیت انرژی آن به شکل خاص، با تکیه بر کشورهای دیگر هرچند قدرتمند باشند، نمی‌تواند پایدار باشد. برنامه‌ریزی‌های اسرائیل برای سلطه بر میدان‌های نفتی عربی از دهه ۶۰ میلادی، مشهود بوده است. اسرائیل به منظور غلبه بر این نقطه ضعف خود که هنگام عدم حمایت‌ها نمایان می‌شد و در جنگ‌های بلندمدت آنان را دچار فلج می‌کرد، برای دسترسی به منابع این کشورها دیگر طرح‌هایی به‌کار بست؛ از جمله بارزترین طرح‌های اسرائیل در این زمینه، عملیات «شیخینا» بود که در سال ۲۰۰۲ فاش شد. این برنامه برای اشغال چاه‌های نفتی عراق، و بازسازی خط موصل - حیفا طراحی شده بود. علاوه بر آن، اسرائیل برای برون‌رفت از حلقه احاطه‌کننده خود، با تکیه بر سیاست «نفوذ ژئوپلیتیکی منطقه‌ای»، تلاش کرد با کشورهای اسلامی روابطی برقرار نماید و در نهایت نیازهای نفتی خود را برآورده کرده، و از سیاست امنیت انرژی محافظت کند. گذشته از برنامه‌های تل آویو برای بازسازی خط موصل - حیفا، طرح‌های دیگری نیز وجود دارد که اکنون در موضع اجرا قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین آنها «پروژه راهبردی قرن» می‌باشد و با هزینه‌ای بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار اجرا می‌شود که کشور ترکیه گلوگاه اساسی آن را تشکیل می‌دهد. این طرح چهار دریای خزر، سیاه، مدیترانه و سرخ، و همچنین آسیای میانه را به خاورمیانه ربط می‌دهد. این طرح با مرکزیت ترکیه، از شرق چین تا اروپای غربی و از شمال ترکیه تا جنوب هند را دربر می‌گرفت. طرح مزبور شامل خطوط

لوله انتقال نفت و گاز، آب و برق و نیز فیبر نوری از ترکیه به اسرائیل هم می‌شد. بر این اساس، تا اواخر سال ۲۰۰۸ و نیمه اول سال ۲۰۰۹، نشست‌های متعددی بین مسئولان این قدرت‌ها برای دنبال نمودن آن برگزار شد.

گزارش اول: گاز طبیعی و آینده انرژی اسرائیل

این گزارش با عنوان «گاز طبیعی و آینده انرژی در اسرائیل» در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹ از سوی مرکز «راند» منتشر شده است. این گزارش به بررسی عواملی می‌پردازد که در نزدیک‌سازی اساسی به پژوهش کمک می‌کند، اهمیت این گزارش از دو جهت می‌باشد:

۱۵۳

نخست اینکه، به روند حوادث ارتباط دارد، و تمرکز آن بر «گاز» به‌عنوان عامل اساسی در سیاست آینده امنیت انرژی اسرائیل می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود اسرائیل در گرایش به سمت گاز، گام‌هایی برداشته است که شامل اکتشافات جدید، و تلاش برای احاطه منابع گاز فلسطین در سواحل روبه‌روی غزه می‌شود. حکومت اسرائیل چندین بار، به‌خصوص هنگامی که «شارون» به بهانه اینکه آب‌های منطقه‌ای روبه‌روی غزه وابسته به اسرائیل است، حاضر به خرید گاز آن نبود. با این وجود، حکومت‌های بعدی مجبور شدند به گونه‌های متفاوت آن را خریداری نمایند، در عین حال تلاش‌ها برای تسلط بر آن آب‌ها و میدانی گازی منطقه‌ای، به پایان نرسیده است. به‌عنوان نمونه، لبنان ادعا داشت که قسمتی از میدان عظیم «ماتان»، که اسرائیل در این اواخر کشف نموده، واقع در آب‌های منطقه‌ای آن کشور می‌باشد، بنابراین به کارگیری این ذخایر به معنی سرقت از بخش آب‌های منطقه‌ای لبنان به‌شمار می‌رود.

نکته دوم به محتوا و مضمون گزارش مرتبط است. این گزارش اولین مطالعه مرکز «راند» شمرده می‌شود که بعد از ۶۱ سال، به موضوعی اسرائیلی اختصاص می‌یافت. راند به‌عنوان مؤسسه‌ای شناخته می‌شود که مطالعات و بحث‌های خود را متوجه تصمیم‌سازان امریکایی می‌ساخت و نخبگان و عوام از آن بهره می‌بردند. البته موسسه راند به موضوعاتی که با اسرائیل ارتباط داشت نیز پرداخته است، اما تاکنون هیچ مطالعه‌ای همانند این گزارش، که خاص اسرائیل و امنیت انرژی آن باشد، انجام نشده است. چه بسا هدف از این اقدام، همان گونه که بیشتر محافل

تحقیقاتی نیز به آن اذعان دارند، تمایل این مؤسسه به ایجاد برنامه پژوهشی خاص برای اسرائیل و سیاست‌های عمومی آن کشور باشد، که به‌نوعی در خدمت تصمیم‌سازان اسرائیلی باشد و پشتوانه مالی آن نیز از طرف حکومت و اهدا کنندگان باشد.

«راند» یکی از قوی‌ترین مراکز پژوهشی و مطالعاتی است که در سال ۱۹۴۸، به‌عنوان مؤسسه تابع نیروی هوایی آمریکا تاسیس شد.

گزارش دوم: قزاقستان: شریک اسرائیل در اوراسیا

این گزارش با عنوان «قزاقستان: شریک اسرائیل در اوراسیا»، از سوی مرکز «امور عمومی قدس» اسرائیل (شماره ۵۷۳، سپتامبر ۲۰۰۹) منتشر شده و بیشتر به بررسی بعد ژئوپلیتیکی منطقه‌ای برای امنیت اسرائیل پرداخته است. اهمیت این گزارش در مسایل زیر نهفته است:

دید روشنی نسبت به اهمیت محیط منطقه‌ای (دور و نزدیک)، از طریق راهبردهایی که به‌سود منافع و امنیت اسرائیل می‌باشد، به ما می‌دهد. در این چارچوب، قزاقستان نمونه خوبی برای بازتاب تلاش‌های اسرائیل و اجرای برنامه‌های آن شمرده می‌شود.

مکانیزم و ابزارهایی که اسرائیل برای نفوذ در دولت‌های اسلامی به‌کار می‌بندد، چشم‌انداز جدیدی برای آن ایجاد کرده، و گزینه‌های بدیل و سیاست‌های عمدتاً سکولار را تامین می‌کند. همچنین در وضعیت امنیت انرژی اسرائیل، قزاقستان به‌عنوان یکی از دولت‌های آسیای میانه به‌شمار می‌رود که فضای مناسبی برای اهداف اسرائیل و نفوذ در حوزه اسلامی ایجاد می‌کند تا نیازهای حیاتی خود را از مواد اولیه و انرژی این کشورها برآورده سازد.

در ادامه به مطالعه مفصل این دو گزارش خواهیم پرداخت.

بخش اول: گاز طبیعی و آینده انرژی اسرائیل

با کشف ذخایر گازی در اسرائیل، تکیه بر این منبع برای تولید برق افزایش یافت. با این وجود و به‌رغم اینکه گاز حدود ۲۰٪ از نیروی برق اسرائیل را در سال ۲۰۰۷ تامین می‌کرد، تکیه اساسی آن بر زغال سنگ است که بیشتر از ۶۰٪ کل انرژی برق را تولید می‌کند. با محدودیت

افزایش تولید برق، اسرائیل از رشد بالا در تقاضای این انرژی، بسیار رنج می‌برد. مشکل خاص اسرائیل که گریبان‌گیرش است، عدم ارتباط آن با شبکه‌های تامین‌کننده برق در منطقه است. در واقع اسرائیل به مثابه جزیره‌ای جدا از این بخش می‌باشد که می‌بایست فقط بر خود تکیه کند. اسرائیل در ذخایر انرژی فسیلی با کمبود مواجه است و به دلایل سیاسی، قادر به خرید نفت کشورهای عربی نیست، بنابراین در سه دهه گذشته تولید برق به صورت زیادی، بر زغال سنگ که مشکلات بسیاری داشت، تکیه کرد. اما با اکتشافات ذخایر گاز طبیعی، توانایی حل مشکلات زغال سنگ فراهم شد. میزان مصرف گاز به‌عنوان عنصر جدید در امنیت انرژی اسرائیل، با کاهش نسبت استفاده از زغال سنگ به ۵۰٪، و نیز سهم ۱۰ درصدی انرژی‌های جدید تا سال ۲۰۲۰، ۴۰٪ افزایش خواهد یافت.

الف. منابع در دسترس برای تامین گاز اسرائیل

اسرائیل دارای تعدادی از منابع احتمالی برای تامین گاز طبیعی است که هر کدام از آنها، فرصت مشخصی را فراهم می‌کند و هم‌زمان، چالش‌هایی نیز برای آن به‌وجود می‌آورد. اسرائیل از ذخایر داخلی محدودی برخوردار است. علاوه بر آن، منابع وارداتی خارجی از طریق خط لوله عبارتند از: مصر، دولتهایی از آسیای میانه و دولتهای دیگری از خاورمیانه.

ذخایر دریایی داخلی و منطقه‌ای

میادین یم تیس^(۱) اسرائیل هم‌زمان با در اختیار داشتن امکانات نفتی و زغال سنگ، دارای ذخایر تجاری داخلی گاز طبیعی هم هست. در سال ۱۹۹۹، روی آب‌های ساحلی اسرائیل مقادیر تجاری از گاز طبیعی کشف شد که شامل ذخایری حدود ۳۲ میلیارد مترمکعب بود و به طرح اکتشافی و برنامه‌های پیشرفت آن «یم تیس» گفته شد. این طرح اکنون تنها منبع کلی تولید گاز داخلی در اسرائیل است، اما با احتساب میانگین سالانه مصرفی در حدود ۵ میلیارد مترمکعب

1. Yam Tethys

که متوسط مصرف ثبت شده در سال ۲۰۰۸ میلادی است، این ذخایر فقط چهار سال می‌تواند گاز طبیعی اسرائیل را تامین کند.

ذخایر داخلی جدید در آب‌های عمیق

در دسامبر سال ۲۰۰۹ ذخایر جدیدی به نام «تامار»، همراه با میدان «ماتان» کشف شد که در آب‌های داخلی شمال اسرائیل، و تقریباً به موازات بندر «حیفا» قرار گرفته است و حدود ۸۰ کیلومتر از میادین یم تئیس، نسبت به سواحل اسرائیل دورتر و عمیق‌تر می‌باشد. برآوردهای اولیه نشان می‌دهد ذخایری که امکان استخراج آن وجود دارد، بین ۸۰ تا ۹۰ میلیارد مترمکعب در نوسان می‌باشد. به عبارتی دیگر، سه برابر میزان و مقادیر موجود در میادین یم تئیس. همچنین می‌توان به ذخایر دیگری با مقادیر کمتر که در «دالیت» وجود دارد، اشاره نمود.

گاز غزه

کشف گاز غزه تقریباً هم‌زمان با اکتشاف بزرگ‌ترین منبع گاز طبیعی، در میادین یم تئیس صورت گرفت. ذخایر اکتشافی روبه‌روی سواحل غزه حدود ۳۵ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود؛ یعنی کمی بیش از حجم میادین یم تئیس. با علم به اینکه حکومت ایهود باراک، این میدان را در اختیار و تحت تصرف حکومت ملی فلسطین قرار داده بود تا به‌عنوان یکی از مشتریان احتمالی برای خرید گاز این میدان باشد، اما به دلایل بسیاری از جمله عدم استقرار سیاسی غزه، تاکنون پیشرفتی در این کار صورت نگرفته است.

گاز خاورمیانه

در آغاز دهه ۸۰ میلادی، حکومت مصر با کمک بانک جهانی برای توسعه در ذخایر گاز طبیعی و به منظور مصرف داخلی و نیز صادرات، اقدام نمود. طبیعی است که اسرائیل نزدیک‌ترین و بیشترین جذب‌کننده برای تجارت این کالا می‌باشد. باید دانست که انتقال گاز مشکلات بسیاری به همراه دارد، بنابراین در سال ۲۰۰۰ میلادی، مصر با مشارکت اسرائیل،

شرکت گاز و نفت خاورمیانه (EMG) را تاسیس نمود. این شرکت به ایجاد خط لوله از «عریش» در صحرای سینا تا بندر عسقلان «اشکلون اسرائیلی» اقدام کرد، که قادر به جابه‌جایی هفت میلیارد مترمکعب از گاز طبیعی در سال می‌باشد و این بیشترین میزان برای تامین انرژی اسرائیل است که شرکت و حکومت مصر تاکنون آشکار کرده است. در جولای ۲۰۰۵، شرکت برق اسرائیل (IEC) برای دریافت ۱/۷ میلیارد مترمکعب از گاز طبیعی، به مدت ۱۵ سال با شرکت EMG قراردادی امضا کرد که امکان تمدید آن تا پنج سال دیگر نیز وجود داشت. بنابراین در می ۲۰۰۸، گاز طبیعی شرکت مصر به نیروگاه‌های انرژی اسرائیل جاری شد و مرحله مهمی برای جایگزینی زغال سنگ و تولید برق با استفاده از گاز آغاز شد.

ب. منابع خارجی احتمالی دیگر

اسرائیل برای خرید و انتقال گاز طبیعی از طریق لوله و تضمین عدم قطع آن می‌تواند به غیر از مصر با دو نمونه از کشورهای خارجی وارد مذاکره شود، اما واردات گاز طبیعی مستلزم خطوط لوله جدید و گفتگو برای قراردادهای حمل و نقل با دولت‌های متداخل و انعقاد پیمان‌های وارداتی بلندمدت است:

گاز طبیعی روسیه و آسیای میانه

بدون شک خرید گاز از یک یا بیشتر دولت‌های اتحاد شوروی سابق از قبیل آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، گزینه درستی خواهد بود، خطوط انتقال این گاز، از طریق خطوط موجود یا تازه ایجاد شده همانند خط ترکیه‌ای بندر «جیپهان» می‌باشد، اما با نگاه به روابط آشفته سیاسی بین اسرائیل و همسایگان شمالی خود، وارد کردن آن می‌بایست از طریق خط جدیدی صورت گیرد که سوریه و لبنان را دور می‌زند و بهتر است از طریق آب‌ها به سمت حیفا باشد.

گاز طبیعی خلیج فارس

اسرائیل می‌تواند از کشورهای قطر و عراق گاز خریداری نماید. از طریق خط لوله‌ای که در اردن امتداد می‌یابد، به گاز عراق می‌رسد و در مورد قطر نیز از طریق عربستان. به‌ویژه اینکه هریک از آن کشورها، مثلا قطر جایگاه سوم ذخایر گازی در سطح جهان را در اختیار دارد، و عراق نیز منابع گسترده‌ای از گاز طبیعی را دارا می‌باشد. به‌رغم اینکه ایجاد و تدارک خطوط انتقال و توزیع آن از این دولت‌ها، هزینه‌های کمتر و کارایی بیشتری برای اسرائیل نسبت به انتقال آن از طریق دریا خواهد داشت، اما این وضعیت نیاز به تغییر موضع اساسی در شرایط سیاسی دارد؛ زیرا قطر و عراق عضو اتحادیه عرب و حامی فلسطین در قبال جنگ و نزاع با اسرائیل می‌باشند. با این وجود، پیشنهادهای غیر رسمی در گذشته مطرح بوده است، مبنی بر اینکه امکان دارد قطر آمادگی فروش گاز به اسرائیل را مورد بررسی قرار دهد. اما ایجاد خطوط لوله از طریق عربستان نیز، نیاز به حصول راه حل رسمی برای قضایای موجود بین اسرائیل و حکومت فلسطین دارد.

ج. جایگزین‌های به کارگیری گاز طبیعی

زغال سنگ

اسرائیل همچون تعدادی از قدرت‌های جهان، زغال سنگ را منبعی می‌داند که برای تولید برق، دارای بیشترین نتیجه و کمترین هزینه می‌باشد. زغال سنگ از ارزان‌ترین انواع سوخت‌های فسیلی، فراوان و با انتقال و ذخیره آسان می‌باشد؛ زیرا که ذخایر زغال سنگ در هر مکانی وجود دارد. بنابراین، اسرائیل می‌تواند آن را از بیشتر کشورهای خریداری نماید، همچنین تعداد واردکنندگان آن زیاد است و عدم امداد رسانی برای مدت طولانی در آن، دور از انتظار است. این ویژگی‌ها برنامه‌ریزان اسرائیل را در به‌کارگیری این منبع در نیروگاه‌های تولید انرژی با زغال سنگ تشویق نمود، تا جایی که این نیروگاه‌ها کمتر از ۵۰٪ نسبت به نیروگاه‌های تولید برق در کشور نباشند. با وجود اینکه زغال سنگ نسبتا ارزان است، اما هزینه‌های اجتماعی به‌کارگیری آن و همچنین احداث نیروگاه‌های تولید انرژی که با آن فعال هستند، بسیار زیاد می‌باشد.

بنابراین قیمت پایین این منبع، در اینجا فایده‌ای نخواهد داشت. همچنین به کارگیری برق تولید شده به وسیله نیروگاه‌های تولید انرژی که با زغال سنگ فعال هستند، در بخش صنعتی اسرائیل کارایی نخواهند داشت و در رقابت این بخش با خارج با توجه به تعهد اسرائیل به اجرای تفاهم‌نامه «کیوتو»، ضرر می‌رساند. طبق این تفاهم‌نامه، کشورهای واردکننده می‌توانند از ورود کالاهایی که از برق تولید شده به وسیله زغال سنگ ساخته شده باشد، جلوگیری به عمل آورند.

نفت کوره و گازوییل

هر کدام از نفت کوره و گازوییل می‌توانند جایگزین اصلی برای زغال سنگ باشند، اما تصمیم‌سازان اسرائیلی به صورت تدریجی از به کارگیری این منابع در سال‌های گذشته، صرف نظر کرده‌اند. بیشتر به این دلیل است که مصرف گاز افزایش یافته است، همچنین می‌توان گفت که گاز، کاربردی‌تر از نفت کوره و خیلی ارزان‌تر از گازوییل می‌باشد، به ویژه قیمت‌های بالایی که بازار جهانی نفت در سال ۲۰۰۸ داشت، گازوییل را به گزینه‌ای تبدیل کرد که مشتری خاصی نداشته باشد.

انرژی خورشیدی حرارتی

این نیروگاه‌ها نور خورشید را برای تولید بخار که باعث به چرخش در آوردن توربین‌ها می‌شود، به کار می‌گیرند. مقدار انرژی تبدیل شده در نیروگاه‌ها به شکل گسترده‌ای به طول و کوتاهی روز و زاویه خورشید و پوشش ابر وابسته است، اما بعضی از نیروگاه‌های تولید انرژی خورشیدی - حرارتی قادر هستند انرژی را برای مدت شش ساعت ذخیره کنند؛ زیرا اشعه خورشید فراوان، اما به شکل مقطعی می‌باشد. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری در این گونه نیروگاه‌ها برای اسرائیل از لحاظ بازرگانی در قیاس با منابع دیگر تولید برق، غیر رقابتی می‌باشد.

اسرائیل اکنون یک نیروگاه کوچکی برای تولید برق از انرژی خورشیدی - حرارتی، در شهر «ایلات» در دریای سرخ با قدرت ۱۰۰ کیلووات دارد. همچنین احداث نیروگاه‌هایی از همان نوع با قدرت ۲۵۰ مگاوات در صحرای «نقب» و با هدف ارتقای فناوری مورد استفاده در این

نیروگاه‌ها برای تولید برق، در آغاز سال ۲۰۳۰ میلادی قدرت نیروگاه‌ها به ۴۰۰۰ مگاوات و با طرح بعضی ارقام محافظه‌کارانه، از ۸۰۰ تا ۲۵۰۰ مگاوات افزایش خواهد یافت. این پروژه صحرای نقب را به مکانی ممتاز و بسیار مناسب تبدیل می‌کند، نیروگاه‌های انرژی خورشیدی - حرارتی نیاز به مکان‌هایی دارند که مساحت گسترده و دورافتاده‌ای داشته باشند، به استثنای صحرای نقب مکان دیگری که بسیار مناسب باشد، وجود ندارد. نیروگاه‌ها و دریاچه‌های گاز طبیعی در صورت حمله نظامی مستقیم ایمن خواهند بود؛ زیرا با مساحت وسیع و دوردست در مکان‌های متعددی گسترده شده‌اند. تنها نقطه ضعف در این گونه طرح‌ها، خطوط انتقال و توزیع است که می‌بایست از جنوب به ساحل و مناطق شمالی کشور؛ جایی که اغلب آنها مسکونی هستند، صورت گیرد.

د. تقویت امنیت انرژی در اسرائیل

طبق گزارش، تصمیم‌سازان اسرائیلی در روند تصمیم‌گیری آینده انرژی، با چالش‌ها و محدودیت‌های زیادی مواجه هستند؛ از جمله، برنامه‌ریزی زیربنایی برای انرژی، تشخیص عوامل و موضوعات ضروری برای به نتیجه رساندن طرح‌های اتکا بر گاز طبیعی به‌عنوان منبع اساسی برای تولید انرژی و تقویت توانایی به انجام رساندن آن، و نبود بازخوردهای موفق به‌وسیله سناریوهای پیشنهادی. اهمیت نتایج به دست آمده در تبیین راه‌حلی است که برای برنامه‌ریزان اسرائیلی، بیشتر قابل تحقق بوده است و شامل نکات زیر می‌باشد:

یک. محدود شدن رشد تقاضا برای برق، خط دفاعی نخست در امنیت انرژی اسرائیل به‌شمار می‌رود و هیچ عامل موثری در خروجی سناریوهای آینده به میزان کاهش رشد تقاضای آن یافت نمی‌شود.

دو. اسرائیل در چرخه ایجاد شده برای گاز طبیعی، در حالت اول بهره خواهد برد؛ به این اعتبار که کمک‌های کافی و فعالیت نیروگاه‌ها، ذخیره گاز طبیعی را تضمین می‌کند.

سه. باید به واردات مقادیری که با بخش‌های خارجی منعقد کرده و انرژی آن را تامین می‌کند، ادامه دهد. همچنین باید به قراردادهای جدید، حتی با قیمت‌های رقابتی، توجه نماید تا

به یک منبع یا کشور تامین‌کننده مشروط نگردد و امنیت انرژی خود را به خطر نیفکند. چهار. برای بهره‌برداری از گاز مایع، به دلیل هزینه‌های بالا و نیز قدرت نفوذ تهدیدات در امنیت انرژی خود، درست بیندیشد و خود را آماده سازد. پنج. برای تولید انرژی برق، نیاز به نگهداری مخلوط متنوعی از سوخت‌ها دارد تا تهدیدات مربوط به کمک‌ها و نیز هزینه‌ها کاهش یابد. همچنین باید از نیروگاه‌های تولید انرژی که با استفاده از انرژی خورشیدی حرارتی فعال هستند، بهره‌برداری کند. شش. به دلیل افزایش هزینه گزینه‌های انتخابی مربوط به ذخیره گاز طبیعی و نیز آشفته‌گی‌های احتمالی در امدادسانی گاز، باید به ذخیره مقادیر گسترده‌ای از گازوییل اقدام نماید تا بتواند از نابسامانی‌های به‌وجود آمده در امدادسانی گاز عبور کند. هفت. باید شبکه‌ای از لوله‌های داخلی با فشار زیاد ایجاد کند تا بتواند به موازات خط دریایی موجود، گاز را توزیع نماید.

بخش دوم: قزاقستان شریک اسرائیل در اور آسیا

اهمیت قزاقستان برای اسرائیل

در سال ۲۰۰۹، شیمون پرز، رییس سابق اسرائیل، از قزاقستان دیدار کرد؛ البته او در دوره‌ای که وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر بود، چندین بار به این کشور سفر کرده است. این دیدارها در نهایت، سرمایه‌گذاری بلندمدتی را در مکانی مناسب از جهان، برای اسرائیل فراهم نمود. قزاقستان دولتی با جغرافیای وسیع و اغلب مسلمان و دارای رویکردهای سکولار است. همچنین سرشار از مواد اولیه، به‌ویژه منابع انرژی همانند دولت‌های دیگر آسیای میانه (آذربایجان، ازبکستان و ترکمنستان) می‌باشد. اسرائیل به‌رغم اینکه در روابط خود با دولت‌های اسلامی از مشکلات بسیاری رنج می‌برد، اما روش‌های اتخاذ شده در کشورهای آسیای میانه، برداشت و تصوری آسان به آن می‌دهد و از طرف دولت یهودی مورد استقبال قرار گرفته و پشتیبانی از آن را ممکن می‌سازد.

در واقع این دولت‌ها پلی را برای رسیدن اسرائیل به دولت‌های جهان اسلام تشکیل می‌دهند.

قزاقستان به‌عنوان دولتی سکولار دارای روابط ایده‌ال غیردینی و غیرایدئولوژیک با ایران، مالزی و سایر دولت‌های اسلامی می‌باشد که به گونه‌ای برای اسرائیل سودآور می‌شود. به‌عنوان نمونه، نور سلطان نظربايف، رییس‌جمهور سابق قزاقستان، در یک تلاش عجیب از جمهوری اسلامی ایران خواست تا اطلاعاتی را در خصوص سربازان مفقود اسرائیلی در اختیار آنها قرار دهد. همچنین از ایران دعوت کرد تا همانند قزاقستان در سال ۱۹۹۴، از اهداف هسته‌ای خود دست بکشد. از سال ۱۹۹۲ میلادی، قزاقستان میزبان همایش «تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا» است. این همایش (CICA) تنها گروه‌هایی منطقه‌ای است که ایران و اسرائیلی‌ها در آن حضور می‌یابند و این عامل مهمی برای اسرائیل می‌باشد که قزاقستان آن را فراهم می‌آورد. اما مهم‌تر از همه اینکه، نزد اسرائیل و دولت‌های آسیای میانه که سرشار از منابع طبیعی است، اولویت‌های ژئوپلیتیکی مشابهی در خصوص مبارزه با تروریسم، اسلام‌گرایی رادیکال و تکامل اقتصادی وجود دارد. با وجود اینکه سرمایه‌گذاری قزاقستان در اسرائیل بسیار کم می‌باشد، اما امروزه در قزاقستان ۵۲ شرکت اسرائیلی مشغول به کار هستند. اسرائیل در این چارچوب می‌تواند در مقابل استفاده از منابع طبیعی و مواد اولیه کشورهای آسیای میانه و قزاقستان، فناوری پیشرفته، کمک‌های نظامی، فناوری پیشرفته کشاورزی، جدیدترین علوم پزشکی و علاوه بر آن فرصت‌های آموزشی را فراهم نماید. بنابراین، منافع مشترک در روابط بین‌الملل پیوندی ایجاد می‌کند که روابط دوگانه را به‌شدت تقویت می‌نماید.

عوامل نفوذ اسرائیل در قزاقستان

از دهه ۹۰ میلادی، قزاقستان سیاست خارجی چندگانه‌ای در پیش گرفته است. این کشور برای تامین منافع مختلف خود با دولت‌های بزرگ (ایالات متحده آمریکا، اروپا، روسیه و چین) و نیز دولت‌های با قدرت کمتر دیگر (ایران، ترکیه، هند و پاکستان) و استفاده از این کشورها، تامین منافع دولت را در اولویت قرار می‌دهد و در بحث‌هایی که قدرت دولت را از کنترل بر منافع آن کاهش داده یا به یکی از بازیگران اجازه تسلط بر همه آسیای میانه دهد، وارد نمی‌شود. اسرائیل نیز از این سیاست بهره برد و کوشید تا با قزاقستان روابطی برقرار نماید. بنابراین از تعدادی عوامل

در به انجام رساندن این شراکت مهم، استفاده کرد که در ذیل به چند مورد از آنها خواهیم پرداخت:

اهمیت توسعه اقتصادی به عنوان یک اولویت

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به دلیل شکست آن در افغانستان سال ۱۹۸۹، دولت‌های آسیای میانه در سال ۱۹۹۲ به استقلال رسیدند. این کشورها باید مسئولیت دفاع از خود، بازسازی اقتصادی، تامین سرمایه‌گذاری‌های لازم و ایجاد خطوط لوله برای صادرات ثروت‌های نفتی و دسترسی به بازارهای جهانی را بر عهده بگیرند. همچنین در آن مرحله رهبران قزاقستان تصمیمات عمده‌ای در خصوص سازمان‌های سیاسی و اقتصادی در کشور اتخاذ کردند. هنگامی که دولت در یک مرحله انتقالی به سوی دموکراسی، بازار آزاد (تعادل بازار) و سیاست خارجی باز و همه‌جانبه به سر می‌برد، آشکار شد که اولویت در چارچوب ایجاد دولت، در محقق ساختن امنیت ملی و همچنین بازار اقتصادی قوی در سایه ثبات سیاسی نهفته است. نظریات نیز ادامه داد که در گام‌هایی که برای انتقال اقتصاد کشور از برنامه‌ریزی مرکزی به سمت اقتصاد بازار برداشته می‌شود، اقتصاد اولویت دارد بعد سیاست. در آن زمان نظرسنجی آشکار کرد که فقط چهار الی پنج درصد از ساکنان ضرورت حمایت از روند دموکراسی را به عنوان یک اولویت می‌دانستند، در حالی که ۶۰٪ از مردان، تحقق زندگی پایدار و صلح و امنیت فردی را تایید کردند.

وجود اقلیت یهودی

مردم قزاقستان از نژادهای مختلف هستند، اما در همان زمان نیز اکثریت آنها یعنی ۴۷٪ مسلمان سنی، سپس ۴۴٪ مسیحی ارتدوکسی و ۲٪ پروتستانی هستند. رییس جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۹ با تاسیس انجمن مردمی قزاقستان (APK) که یک انجمن منحصر به فرد در نوع خود می‌باشد و دارای نمایندگانی از نژادهای مختلف در کشور (یهودی، اوکراینی، چینی، تاتاری، ازبکی و ...) و مشاورانی از آنهاست که رییس جمهور را در سیاست خاص خود، در همکاری با احاد نژادهای مختلف و اتخاذ تصمیمات خود در این زمینه کمک می‌کنند. این انجمن تلاش

می‌کند تا عقاید وحدت‌بخش و حفظ روابط دوستانه و وفاق ملی و همچنین حفظ حقوق اقلیت‌ها را ترویج نماید.

تعداد جامعه یهودی در قزاقستان به بیش از ۱۰ هزار نفر می‌رسد و از حقوق خود در سایه سیاستی روشن برای حمایت حقوق دینی بهره می‌برند که این مساله باعث تحقق بیش از پیش ثبات در کشور می‌شود و با نقشی که قزاقستان در برگزاری تعدادی از کنفرانس‌ها با محوریت گفتگو بین ادیان مختلف دارد، و به‌عنوان مقصدی برای تقویت فرهنگ آزادی ادیان و تسامح و احترام تبدیل شده است، متناسب می‌باشد.

مبارزه با تروریسم

برای اسرائیل و کشورهای اتحاد شوروی سابق، اولویت‌های ژئوپلیتیکی مشابهی در خصوص مبارزه با تروریسم و اسلام‌گرایی رادیکال وجود دارد. اسلام رادیکالی و نیز اسلام سیاسی برای حکومت قزاقستان، به‌ویژه زمان استقلال و در مرحله انتقالی، یک تصور و نگرانی ایجاد کرده بود. این گروه‌ها در آسیای میانه حتی قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، فعالیت داشتند و فروپاشی اخیر سبب افزایش توان و قدرت این گروه‌ها، در سرازیر شدن از طریق مرزهای به‌هم پیوسته کشورهای مستقل شد. برای تخفیف تهدیدات افراط‌گرایان، حکومت قزاقستان تلاش کرد تا نظارت قاطعی بر عناصر اسلام‌گرای رادیکال اجرا نماید. بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، دادگاه عالی قزاقستان فهرستی از ۱۱ گروه رادیکال بین‌المللی را به‌عنوان گروه‌های تروریستی آرایه داد که شامل القاعده، حزب آزادی و طالبان و گروه‌های مجاهد در آسیای میانه می‌شد. بنابراین تلاش‌های سیاسی، ایدئولوژیک و قانونی حکومت بر مبارزه با تروریسم متمرکز شده است.

اهمیت دادن به پیشرفت آموزش و آگاهی در قزاقستان

اسرائیل اهمیت زیادی به آموزش نخبگان قزاقستانی و فراهم کردن آموزش عالی مناسب آنان می‌دهد. به‌ویژه اینکه حکومت قزاقستان به شکل گسترده در آموزش سرمایه‌گذاری می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، پشتوانه اعتبارات آن از درآمدهای زیاد نفتی در سال ۲۰۰۶ حدود ۲/۵ میلیارد

دلار بود. در واقع هدف از آن، کارآمد کردن سیستم آموزشی در کشور و پیشرفت آموزش کارکنان، با سطح عالی در خارج برای تضمین مهارت و تخصص و استفاده از کیفیت موجود آموزش در کشورهای خارجی، برای کمک به محصور کردن اقتصاد بازار جدید در کشور می‌باشد. همچنین، حکومت با استفاده از یک برنامه آموزشی علمی جهانی، برای آموزش در دانشگاه‌های خارجی ممتاز در انگلیس و آمریکا و دیگر کشورها، با تضمین کار برای فارغ‌التحصیلان، اقدام کرده است. این عمل بیشتر برای جلوگیری از فرار مغزها و بهره بردن از توانایی‌های آنان در جای مناسب می‌باشد.

ابعاد ژئوپلیتیکی روابط اسرائیل با قزاقستان

روابط پایداری که اسرائیل و آمریکا را به هم نزدیک می‌کند، مانع از این مساله نمی‌شود که اسرائیل منافع خود را در آسیای میانه دنبال نماید، به‌ویژه اینکه اسرائیل دارای مجموعه‌ای از عوامل و توانایی‌های جذاب و موافق با کشورهای مستقل در آسیای میانه می‌باشد و می‌تواند برای آنها در زمینه‌های فناوری، امنیت، کشاورزی و علمی و آموزشی مفید واقع شود. همچنین دولت‌های آسیای میانه و از جمله قزاقستان به شکل دایمی، دنبال گوناگونی شراکت‌های ژئوپلیتیکی خود در گرایش‌ها و جریان‌های مختلف می‌باشد. علاوه بر آن، اسرائیل از نظر ترکیب اجتماعی منحصر به فرد می‌باشد و شامل بسیاری از مهاجرینی است که هم‌چنان از روابط با جوامع یهودی خود، نخبگان، تجار و سازمان‌های تجاری در کشورهای اصلی خود محافظت می‌کنند و این مساله، یک سرمایه راهبردی برای اسرائیل است و در صورتی که مورد بهره‌برداری قرار نگیرد، ممکن است هدر رود یا نابود شود.

اسرائیل با استفاده از گسترش روابط خود با قزاقستان و کشورهای اوراسیا به‌صورت کلی، می‌تواند نفوذ و نقش خود را در «بازی بزرگ» که بسیاری از کشورها؛ از جمله، روسیه، ایالات متحده، چین و اروپا در آن منطقه حضور دارند، گسترش دهد. با توجه به اینکه اسرائیل کاملاً به نفت وارداتی وابسته است، اولویت‌های سیاست انرژی آن، متنوع ساختن منابع تامین‌کننده انرژی می‌باشد. با اینکه اسرائیل منابع انرژی مورد نیاز خود را از مصر که در نزدیکی آن قرار دارد

تامین می‌کند، اما از کشورهای دیگر نیز مانند قزاقستان، روسیه و آذربایجان می‌تواند وارد نماید. همچنین در آینده، در صورتی که تسلط روسیه بر انرژی اجازه دهد، اسرائیل می‌تواند از طریق خطوط لوله در دریای خزر و یا به وسیله نفتکش‌ها به انرژی مورد نیاز خود دست یابد. شراکت اسرائیل با قزاقستان به طور نسبی، به دلیل دستاوردهایی که به صورت اساسی نمایان می‌شوند، بسیار موثر خواهد بود. منابع طبیعی عظیم و به‌ویژه منابع انرژی و نفت، نزدیکی قزاقستان به بازارهای روسیه، چین و آسیای میانه، زمینه‌های وسیع برای همکاری دوجانبه و همچنین زمینه‌های مختلفی که منافع و امنیت انرژی اسرائیل را تقویت کند، احتمالاً رشد یافته و طی سال‌ها و دهه‌های پیش رو، مستحکم‌تر خواهد شد.